



رویکردهای اعمال تنظیم‌گر؛ بررسی تطبیقی در پرتو عناصر تحلیل خط‌مشی عمومی

مهرداد حیدری^۱، حسن دانایی‌فرد^۲، علی حمیدی‌زاده^۳، سیدمجتبی امامی^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۶



بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم



چکیده

موفقیت یا شکست تنظیم‌گرهای دولت (قوانین، مقررات، استانداردها و رویه‌ها) در گرو اتخاذ رویکرد مناسب اعمال است. این پژوهش به بررسی تطبیقی رویکردهای مختلف اعمال تنظیم‌گر می‌پردازد. با استفاده از چارچوب مقایسه تحلیلی پردی، شش رویکرد اصلی اعمال تنظیم‌گر شناسایی و مقایسه شده است. مقایسه این رویکردها براساس سه عنصر تحلیل خط‌مشی انجام شده است: ماهیت مسئله، بازیگران کلیدی و نهادهای اجتماعی. یافته‌ها نشان می‌دهد رویکردهای جدید به جای تکیه بر بازدارندگی، بر ایجاد انگیزه‌های درونی برای رعایت و تبعیت از تنظیم‌گر تأکید دارند. همچنین این رویکردها به اهمیت عوامل اجتماعی و نهادی در رعایت تنظیم‌گر توجه دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری در مرحله طراحی و اجرای اثربخش خط‌مشی‌های تنظیمی کشور اقامه کند.

واژه‌های اصلی: اعمال تنظیم‌گر، خط‌مشی تنظیمی، تنظیم‌گر، تبعیت، تحلیل خط‌مشی، ارزشیابی.

- ۱- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، ایران.
- ۲- عضو وابسته فرهنگستان علوم، استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- ۳- استادیار گروه مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران.
- ۴- دانشیار گروه حکمرانی و اداره امور عمومی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ایران.

مقدمه

خط مشی تنظیمی (Chu, 2018)، به عنوان ابزار مداخله‌ای دولت‌ها، در طول زمان تحولات بسیاری را تجربه کرده است. پژوهشگران این حوزه نشان داده‌اند که رویکردهای متنوعی برای اعمال^۱ تنظیم‌گرها^۲ وجود دارد (Baldwin, Cave, & Lodge, 2012; Boyer & Saillard, 2001; Clarke, 2000; Lowi & Ni-). این رویکردها از اعمال تنظیم‌گر مبتنی بر فرمان تا اعمال مشارکتی متنوع هستند و انتخاب هر یک از آنها به عوامل متعددی از جمله ماهیت مسئله، بافت نهادی و اهداف تنظیم‌گر و تنظیم‌کننده (مُنْتَظِم) بستگی دارد (Kjaer & Vetterlein, 2018).

اهداف تنظیم‌گر و رویکردهای اعمال^۳ آن دو عنصر کلیدی در فرایند پیاده‌سازی^۴ تنظیم‌گر هستند. انتخاب رویکرد اعمال مناسب، به طور مستقیم بر موفقیت تنظیم‌گر و تغییر رفتار تنظیم‌شونده^۵ تأثیر می‌گذارد. بنابراین ارزشیابی عملکرد تنظیم‌گر، نیازمند تعیین دقیق اهداف آن و انتخاب نشانگرهای^۶ مناسب برای سنجش آنها است. این امر مستلزم توجه به پیچیدگی‌های هر حوزه تنظیمی و شناخت رویکردی است که بتواند به طور اثربخش به اهداف دست یابد (Anderson, 2011: 196-210; Kaplow, 2002; Cook & Mosedale, 2007; Jessop & Sum, 2006; Levi-Faur, 2011; Lodge & Wegrich, 2012; Dun-). این پژوهش، با بررسی تطبیقی رویکردهای اعمال تنظیم‌گرها، نقاط قوت و ضعف ابزارها و شیوه‌های اجرایی هر یک از رویکردها را شناسایی می‌کند تا مبنایی برای انتخاب رویکرد مناسب و متناسب با شرایط فراهم آورد.

دوفصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم

مبانی نظری

با وجود فقدان درک مشترک از ماهیت تنظیم‌گر (Koop & Lodge, 2011)، می‌توان آن را مداخله‌ای از حکومت با هدف تغییر رفتار تنظیم‌شوندگان تعریف کرد (Baldwin, Cave, & Lodge, 2010; Black, 2002; Cook & Mosedale, 2007; Jessop & Sum, 2006; Levi-Faur, 2011; Lodge & Wegrich, 2012). تغییر رفتار تنظیم‌شونده به دلیل تنوع رفتارهای انسانی و عوامل مؤثر بر آنها دارای پیچیدگی است (Dunlop & Radaelli, 2017: 66). موفقیت عملکرد تنظیم‌گر در گرو انتخاب رویکردی از اعمال است که



۱- در این مقاله برای جلوگیری از تعارض معنایی، enforcement به اعمال و perform به اجرا کردن و implementation به اقامه یا پیاده‌سازی برگردان و ترجمه شده است.

۲- در این مقاله با توجه به ماهیت و هدف، regulation به تنظیم‌گر و regulator به تنظیم‌کننده یا مُنْتَظِم برگردان و ترجمه شده است.

۳- بین اجرا و پیاده‌سازی تفاوت وجود دارد. پیاده‌سازی به فرایند تدوین تا اجرای یک خط‌مشی گفته می‌شود اما اجرا صرفاً به مرحله اعمال یا اجبار اشاره داشته و درصدد افزایش رعایت خط‌مشی است. لذا در یک نگاه کلی، پیاده‌سازی اعم از اجراست آن‌گونه که بوروکراسی (ابزار پیاده‌سازی) اعم از جریمه (ابزار اجرا) محسوب می‌شود. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب (understanding public policy (dye, 2017) مراجعه کنید.

6- Regulatee

7- Indicator

بیشترین تغییر رفتار را در تنظیم شوندگان ایجاد نماید.

راهبرد تنظیم گر را می توان به عنوان مجموعه ای از رویکردها و ابزارهایی تعریف کرد که با هدف تضمین تبعیت^۱ رفتار تنظیم شونده با مقررات وضع شده، طراحی و اجرا می شوند. بالدوین و همکاران (Baldwin et al., 2012:105) طیفی از راهبردها را شناسایی کرده اند که از فرمان و کنترل (اجبار و نظارت دقیق) تا رژیم های انگیزه محور (مشوق های مالی و معافیت ها) و تنظیم گر مبتنی بر افشاء (شفافیت اطلاعات) را شامل می شود (Baldwin et al., 2012:105-164).

ابزارهای خط مشی مجموعه ای از شیوه ها و فنون هستند که دولت ها برای اعمال نفوذ بر جامعه و هدایت تغییرات اجتماعی به کار می گیرند (Howlet, 1991; Bonnieux & Dupraz, 1999). انتخاب و به کارگیری این ابزارها به منظور دستیابی به اهداف خط مشی نیازمند دقت و ظرافت است (Ac-ciai & Capano, 2021; Marie-Louise Bemelmans-Videc, Ray C. Rist, & Evert Vedung, 2017). مشهورترین آنها، تقسیم بندی به چماق (اجبار و مجازات)، هویچ (تشویق و پاداش) و توصیه (اقناع و اطلاع رسانی) است (Bemelmans-Videc, Rist, & Vedung, 2003:80-113; Morgan & Yeung, 2007). این طبقه بندی را با افزودن ابزارهای مبتنی بر (۱) فرمان؛ (۲) رقابت^۲ (سازوکار بازار)؛ (۳) توافق^۳ (مشارکت و تعامل ذی نفعان)؛ (۴) تعامل^۴ (تبادل اطلاعات)؛ (۵) کد (معماری انتخاب با رویکردهای فنی)؛ (۶) طبقه بندی و جداسازی^۵ (ترکیب ابزارها) توسعه داده اند. در این طبقه بندی، دسته های پنجم و ششم نمایانگر بهره گیری از رویکردهای نرم و اجتماعی هستند که بر تعاملات اجتماعی، مشارکت و فناوری در فرایند تنظیم گر تأکید دارند (Morgan & Yeung, 2007: 80-113).

پیشینه پژوهش

پژوهش های متعددی به بررسی ابعاد گوناگون اعمال خط مشی تنظیمی پرداخته اند که می توان آنها را در دو دسته اصلی تقسیم کرد. دسته نخست بر راهبردهای نهادهای تنظیم کننده متمرکز شده و شیوه های مختلف اعمال قوانین و مقررات توسط این نهادها را تحلیل کرده است (Williams, Leaver, & Man-2021: 27). دسته دوم به تنوع سازمان های تنظیم شونده و تأثیر ویژگی های آنها بر نحوه اعمال مقررات توجه نشان داده است. برای نمونه، در پژوهشی سازمان های تنظیم کننده براساس رویکرد اعمال مقررات به هفت دسته تقسیم شده اند: آشتی دهندگان، تفنگ های بزرگ خوش خیم، بازرسان تشخیصی، مجریان نماد بی طرفی، مجریان کمی مستقل، نماد مجریان و مجریان مختصر (Braithwaite, Walk-er & Grabosky, 1987). این طبقه بندی نشان می دهد که نحوه اعمال مقررات در سازمان های مختلف به شدت تحت تأثیر ویژگی های خاص آن سازمان قرار دارد.





درمجموع، شش رویکرد اساسی در مطالعات اعمال خط‌مشی تنظیمی شکل گرفته است که هریک از وضعیت‌های مختلف تنظیم‌گر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخاسته‌اند. رویکردهای «آرزو» و «واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر» چارچوب‌های تحلیلی جامعی ارائه می‌دهند که به‌مثابه ابزاری برای بازبینی و ارزیابی فرایند اعمال به‌کار می‌روند (Baldwin et al., 2012; Baldwin & Black, 2005; Black & Baldwin, 2010, 2012). رویکرد «بازدارندگی-تبعیت» به‌عنوان قدیمی‌ترین دیدگاه در این حوزه، نگاهی تحلیلی به سیستم‌های اعمال تنظیم‌گر ارائه می‌دهد (Risse, 1984; Scholz, 1979; Stone & Webster's Siegel, 1984). در ادامه و به‌صورت تکاملی، رویکردهای «واکنش‌گرا»، «هوشمند» و «مسئله‌محور» شکل گرفته‌اند که هریک بر جنبه‌های متفاوتی از فرایند اعمال تأکید می‌کنند (Arnaldi, 2017; Ayres & Braithwaite, 1992; Baldwin et al., 2012; Parker, 2021; Short, 2016; Tapia, Quispe, & Vega, 2022; Yan, van Rooij, & van der Heijden, 2021).

نکته قابل‌توجه در بررسی رویکردهای اعمال تنظیم‌گر، تنوع آنها از نظر نقطه کانونی و سطح تحلیل است. با این حال، تمامی این رویکردها در یک نقطه مشترک همگرا می‌شوند و آن، هدف نهایی یعنی تغییر رفتار تنظیم‌شونده است. به عبارتی دیگر، همه رویکردهای اعمال خط‌مشی تنظیمی با هدف ایجاد تغییر در رفتار بازیگران اقتصادی و اجتماعی طراحی شده‌اند (Hawkins & Thomas, 1984: 23-3). اهمیت اعمال در این واقعیت نهفته است که صرف تدوین قوانین و مقررات کافی نیست و موفقیت هر رژیم تنظیمی منوط به اصلاح رفتار تنظیم‌شونده است (Lodge & Wegrich, 2012). فرایند اعمال تنظیم‌گر، مانند فرایند تدوین آن، تحت تأثیر عوامل سیاسی قرار دارد. انتخاب راهبردها و ابزارهای اجرایی در این فرایند به‌شدت متأثر از تعاملات سیاسی و قدرت‌نمایی بازیگران مختلف در عرصه خط‌مشی است (Coslovsky, Pires, Silbey, 2011: 323). این واقعیت بر پیچیدگی فرایند اعمال و نیاز به درک عمیق‌تر از پویایی‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن تأکید می‌کند.

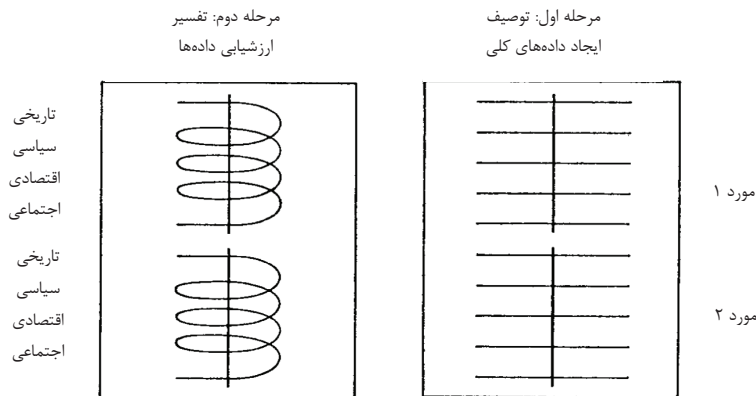
عنوان پژوهش	خلاصه یافته‌ها	منبع
راهبرد رسمیت‌بخشی شرکت: تعامل کارآفرینان و مقامات دولتی در اعمال تنظیم‌گر	اتکا به سازوکارهای بازار و تضعیف مداخله دولت، اغلب به ناکارآمدی‌هایی منجر می‌شود که در نهایت نیاز به اعمال دوباره و گسترده ابزارهای اجرای مقررات را تقویت می‌کند. با نظم‌دهی مبتنی بر بازار به‌عنوان تنها منطق مشروع باشد، شکست‌های ناشی از آن فشار سیاسی برای اعمال سخت‌گیرانه‌تر مقررات، بازگشت مداخله دولت و استفاده بیشتر از ابزارهای الزام‌آور را منجر می‌شود. تحلیل نمونه‌هایی از اروپا، بریتانیا و آمریکا، نشان می‌دهد چرخه‌ای از «مقررات‌زدایی» آغاز و با ایجاد «بحران» منجر به «بازگشت اعمال الزام‌آور و قوی» به‌وجود آمده است که محصول تنش‌های نهفته در رویکردهای بازارمحور است. استدلال محوری مقاله آن است که تقویت اعمال تنظیم‌کننده صرفاً نتیجه اراده آنان نیست، بلکه واکنشی ساختاری به پیامدهای بازارگرایی افراطی است.	(Biru, Ashenafi; Arenius, Pia; Bruton, Garry; Gilbert, David; 2025)

عنوان پژوهش	خلاصه یافته‌ها	منبع
اعمال تنظیم‌گر	این مطالعه با بهره‌گیری از یک شوک برون‌زای ناشی از طرح «۱۰۰ درصد بازرسی» در معادن آمریکا نشان می‌دهد که تنها افزایش واقعی دفعات بازرسی است که به کاهش معنادار حوادث و بهبود ایمنی منجر می‌شود؛ در مقابل، افزایش جریمه‌ها تأثیر قابل توجهی بر تبعیت بنگاه‌ها ندارد. یافته‌ها تأکید می‌کنند که بنگاه‌ها اجرای مشاهده‌پذیر و منظم مقررات را تعیین‌کننده رفتار خود می‌دانند و جریمه‌ها را تا زمانی که احتمال کشف بالا نباشد، صرفاً هزینه‌ای برای تخلف تلقی می‌کنند. بنابراین، در ادبیات Regulation Enforcement، اثربخشی مقررات بیش از شدت مجازات‌ها به قطعیت و تکرارپذیری اجرای آن وابسته است.	(Gmeiner, Michael; Gmeiner, Robert; 2022)
اعمال، تبعیت و طراحی تنظیمی	با تحلیل تطبیقی نظام‌های اتحادیه اروپا، آمریکا و نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که کیفیت و شدت اعمال تنظیم‌گر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبعیت تنظیم‌شونده دارد. نظام‌های مبتنی بر شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و تعامل مؤثر با ذی‌نفعان، سطح بالاتری از تبعیت داوطلبانه ایجاد می‌کنند؛ در حالی که اتکا به مجازات‌های شدید بدون نظارت منسجم، به افت کیفیت اعمال تنظیم‌گر می‌انجامد. اثربخشی اعمال بیش از آنکه به شدت مجازات وابسته باشد، به ثبات، قابلیت رؤیت و استمرار آن مرتبط است.	(Weiß & Furculiță, 2020)
تعارض تنظیمی و تبعیت تنظیمی: مسائل و ظرفیت‌ها در الگوهای عمومی تنظیم‌گر	رویکردهای رایج در ادبیات «تبعیت تنظیمی» که در پی ارائه نسخه‌های کلی و تکنیکی برای بهبود تبعیت هستند، در مواجهه با واقعیت وجود اهداف چندگانه و گاه متعارضی مقررات ناکافی‌اند. نویسندگان استدلال می‌کنند که مدل‌های عمومی تبعیت، تعارض‌های بنیادین بین رژیم‌های تنظیم‌گر دارند و بسترهای سیاسی-اقتصادی شکل‌دهنده به این تعارض‌ها را نادیده می‌گیرند. تنظیم‌گر ماهیتی سیاسی دارد و فهم و حل تعارض‌های آن نیازمند توجه به ایدئولوژی‌های متفاوت، اهداف متعارض و شرایط زمینه‌ای است؛ بنابراین نقش کلیدی پژوهش‌های تنظیمی، در ارائه نسخه‌های کلی برای تبعیت نیست، بلکه آشکار کردن ماهیت مشروط، سیاسی و چندلایه تنظیم‌گر و پیامدهای آن برای بازیگران مختلف است.	(Haines, Fiona; Gurney, David; 2004)
اعمال، تنظیم‌گر و توسعه	سیاست‌های تنبیهی یا اعمال مجازات‌های سنگین بدون تداوم نظارت مؤثر نیستند، درحالی‌که ترکیب پایش مستمر، بازخورد عملکردی و تهدید معتبر از ارزیابی‌های رسمی، قوی‌ترین محرک تبعیت تنظیم‌شونده در حوزه‌های مرتبط با پزشکی است. یافته‌ها نشان می‌دهد اعمال تنظیم‌گر در حوزه سلامت زمانی موفق است که همزمان با شفافیت، پاسخ‌گویی و تعامل با فعالان حوزه همراه باشد. کارایی نظام تنظیم‌گر بیش از آنکه به شدت مجازات وابسته باشد، به پایداری و قابلیت رؤیت در فرایند اجرای مقررات بستگی دارد.	(Laffont, J.-J., 2003)

روش‌شناسی

در این پژوهش، برای بررسی تطبیقی رویکردها از مدل چهار مرحله‌ای توصیف، تحلیل، هم‌جواری و مقایسه بهره گرفته شده است (Adick, 2018). ماهیت پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان براساس رویکرد مکانیکی و ساده‌انگارانه سازگار کرد بلکه باید براساس یک پیکربندی و درک روابط زنجیره‌ای علل، همراه با رویکرد وابسته به تحلیل‌های تاریخی و اجتماعی در قالب سیر تحول زنجیره‌ای و احتمال‌گرایانه، پدیده اجتماعی مورد تفسیر، تشریح و تبیین قرار گیرد؛ لذا باید از رویکردهای تفریدی و انقطاعی در ساختار پدیده‌های اجتماعی دوری کرد. مطالعات تطبیقی با بهره‌گیری از دو سنت کمی و کیفی، مبتنی بر دو راهبرد قیاسی و استقرایی است (خنیفرو و مسلمی، ۱۳۹۵: ۳۵۶). تحلیل تطبیقی، هم‌جواری^۱ توصیفی مجموعه‌ای از موارد^۲ نیست بلکه به دنبال کشف و توضیح عمیق از رخداد پدیده‌ها است (Pickvance, 2001). البته مطالعات اخیر، علاوه بر کشف علل، هدف مقایسه تطبیقی را ارائه یک مقایسه تحلیلی-تفسیری دانسته‌اند (Manzon, 2014).

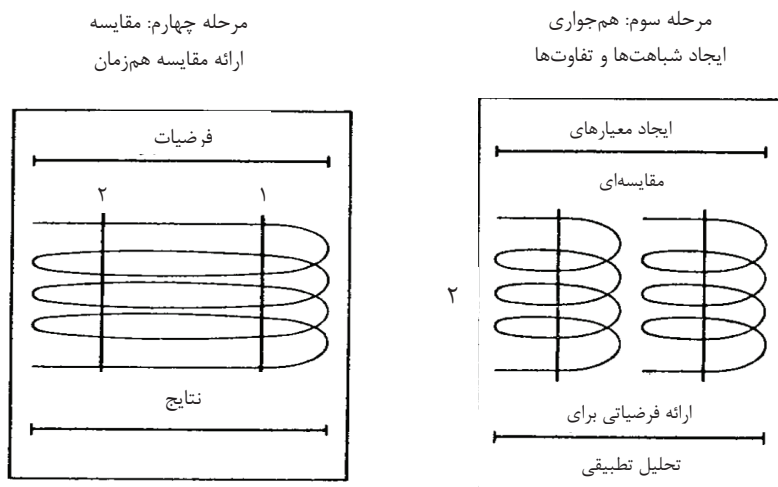
مدل انتخاب شده برای تحلیل تطبیقی رویکردهای اعمال تنظیم، براساس مدل تحلیلی بردی (Bereday, 1964) طراحی شده و جزء روش‌های تحلیلی-تفسیری محسوب می‌شود (Adick, 2018). این مدل چهار مرحله اساسی دارد؛ پژوهشگران ابتدا باید توصیف مناسبی از مورد مطالعه و ویژگی‌های مدنظر داشته باشند. در مرحله تفسیر با نگاهی کل‌گرا، ویژگی‌های مورد مطالعه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه هر رویکرد تحلیل شده و با هم‌جواری، نوعی مقایسه بین رویکردها شکل می‌گیرد. درنهایت نیز با تکیه بر عناصر تحلیل خط‌مشی، تفسیری کلی از رویکرد مورد مطالعه ارائه می‌شود (Geva-May, 2005; Hoppe, 2010; Knoepfel, 2007; Koppenjan, 2004; SEARLE, 2005; Thissen & Walker, 2013; Wil-davsky & Peters, 2018).



شکل ۱. برگرفته از مدل بردی (Bereday, 1964)



هم‌جواری ابزاری قدرتمند برای مقایسه و تحلیل پدیده‌ها است. با قرار دادن موارد مختلف در کنار هم، می‌توان شباهت‌ها، تفاوت‌ها و معیارهای مقایسه را به‌طور دقیق شناسایی کرد. این روش به پژوهشگران امکان می‌دهد تا با ایجاد یک چارچوب مقایسه‌ای جامع، به تفسیر و تبیین پدیده مورد مطالعه بپردازند (Bereday, 1964).



شکل ۲. برگرفته از مدل بردی (Bereday, 1964)

یافته‌های پژوهش

الف) مراحل توصیف و تفسیر

در این بخش برای ارائه توصیفی شامل و دقیق از هر یک از رویکردها، آثار اصلی نظریه‌پردازان و پژوهش‌های مرتبط به‌دقت مورد مطالعه قرار گرفت. این توصیفات با استفاده از تحلیل انتقادی منابع، به‌صورت ساختارمند و بر پایه شواهد تدوین شدند. در بخش بعد، با رویکردی تحلیلی و به‌اختصار، این رویکردها مقایسه و ارزشیابی شده‌اند.

۱- رویکرد اعمال آرزو (دریم)

نخستین رویکرد در اعمال تنظیم‌گر، «آرزو» (DREAM) نام دارد.^۱ این رویکرد، توسط بالدوین و بلک با ارائه دیدگاهی مرحله‌ای نسبت به اعمال (Baldwin & Black, 2005; Baldwin et al., 2012: 227-258) ارائه شد. انتخاب سرواژه «DREAM» با هوشمندی انجام شده است. این نام علاوه بر شناسایی مراحل

۱- در برخی ترجمه‌ها، این سرواژه به صورت «دریم» برگردانده شده است. هرچند این ترجمه از نظر وفاداری به متن اصلی قابل قبول است، اما با روح مفهوم مورد نظر و هدف واضع آن هماهنگ به نظر نمی‌رسد. (م)

اعمال تنظیم‌گر، بلکه حس آرزومندی و ترکیب پیچیدگی و سادگی در فرایند اعمال را نیز القا می‌کند. این رویکرد ضمن تبیین فرایندهای اجرایی، ماهیت چالش برانگیز اعمال تنظیم‌گر را نشان می‌دهد؛ از این رو، برگردان ترجمه دقیق این سرواژه در فارسی مناسب‌تر به نظر می‌رسد. این رویکرد، چارچوبی پنج مرحله‌ای برای شناسایی و اعمال تنظیم‌گر پیشنهاد می‌کند.

- **کشف^۱:** اولین گام، شناسایی و کشف رفتارهای منحرف از تنظیم‌گر است. در این گام، باید سطوح و الگوهای تبعیت دقیقاً شناسایی شوند تا از بروز پدیده‌ای به نام «تبعیت خلاق^۲» جلوگیری شود.
- **پاسخ‌گویی:** این مرحله به انتخاب مناسب‌ترین ابزارها برای دستیابی به اهداف تنظیم‌گر اشاره دارد. به عبارت دیگر به دنبال توسعه سیاست‌ها، مقررات و ابزارهایی مانند جدول یازده است که بتواند به ارزیابی پیشینی تبعیت کمک می‌کند. (BATORY, 2016; OECD, 2004).
- **اعمال^۳:** برای اعمال صحیح تنظیم‌گر باید راهبردهای مناسب برای به کارگیری همه ابزارها شناسایی شود. راهبردهایی مانند آموزش، مشاوره و مذاکره یا تشویق برای اعمال مقررات قابل استفاده است. برخی اعمال مقررات را به دو دسته تبعیت و بازدارندگی^۴ تقسیم کرده‌اند. رویکرد تبعیت به استفاده از تمامی ابزارها به جز قضایی تأکید دارد و رویکردهای بازدارندگی، کیفری بوده و به منظور پیشگیری از نقض قوانین در آینده از تعقیب قضایی استفاده می‌کنند (Hutter, 1997; Risse, 1984).
- **سنجش^۵:** درک صحیح از پیاده‌سازی با ارزشیابی و تعیین میزان موفقیت یا شکست به دست می‌آید. در این مرحله چگونگی عملیاتی شدن سیستم موجود و اثرات رژیم تنظیمی سنجیده می‌شود.
- **اصلاح^۶:** آخرین وظیفه در اعمال تنظیم‌گر اصلاح رویکرد تنظیمی و تعدیل ابزارها و راهبردها است. این فرایند باید به صورت پیوسته و مبتنی بر یافته‌های حاصل از سنجش انجام شود.

۲- اعمال در دوگانه بازدارندگی مقابل تبعیت^۷

رویکرد آرزو صرفاً به مراحل اعمال خط‌مشی تنظیمی پرداخته و ملاحظات عملیاتی برای چگونگی و شیوه اعمال ارائه نکرده است. در مقابل، دوگانه بازدارندگی-تبعیت یکی از طبقه‌بندی‌های بنیادین برای اعمال تنظیم‌گر است که مبنایی برای رویکردهای بعدی فراهم کرده است.

این دوگانه اولین بار در اواخر دهه هشتاد میلادی به عنوان دو نوع سیستم کلی کنترل اجتماعی معرفی شد. در این دیدگاه اهداف سیستم بازدارنده و سیستم تبعیت متفاوت است. هدف اصلی سیستم تبعیت، تأیید «هم‌شکلی رفتار» با قانون است به گونه‌ای که از تخلفات پیشگیری شود، بدون آنکه تنظیم‌کننده لزوماً فرایند کشف و تنبیه متخلفان را طی کند. هدف اصلی سیستم بازدارنده تضمین



1- Detection

۲- Creative compliance توجه به ظاهر قانون و تخطی از روح تنظیم‌گری است.

3- Enforcing

4- Deterrence

5- Assessment

6- Modification

7- Deterrence vs Compliance

تأیید «هم‌شکلی رفتار» با قانون از طریق شناسایی رفتار متخلف، تعیین مسئول تخلف و تنبیه متخلفان به منظور پیشگیری از تخلفات در آینده است (Risse, 1984).

اگرچه هر دو سیستم به دنبال جلوگیری از تخلفات هستند اما سیستم تبعیت به دنبال پیش‌آگاهی^۱ و تحذیر است و در مقابل، سیستم بازدارنده به دنبال پس‌آگاهی^۲ و تنبیه است. البته در سیستم‌های تبعیت نیز مجازات وجود دارد اما بیشتر به عنوان ابزار تهدید به کار می‌رود. سیستم‌های بازدارنده عمدتاً مجازات را دست‌کاری می‌کنند، زیرا معتقدند جریمه در جلوگیری از تخلفات تبیین‌کننده است؛ اما سیستم‌های تبعیت، پاداش را دست‌کاری می‌کنند. بسیاری از سیستم‌های کنترل اجتماعی با ترکیبی از بازدارندگی و تبعیت اقدام می‌کنند اما تفاوت آنها زمانی مشخص می‌شود که تخلف رخ دهد (Risse, 1984).

هنگامی که نقض تنظیم‌گر احساس می‌شود، سیستم بازدارنده سازوکار پیدا کردن ناقضان را فعال می‌کند اما سیستم تبعیت به دنبال پیشگیری از تخلف است و ممکن است از مجازات نیز به عنوان تهدید استفاده کند اما اعمال واقعی مجازات در سیستم تبعیت نشانه‌ای از شکست در جلوگیری از عدم رعایت قوانین تلقی می‌شود. البته در حالتی مجازات می‌تواند اهرم فشار قرار گیرد که رابطه بین تنظیم‌کننده و تنظیم‌شونده مستمر باشد و تنظیم‌شونده بین تبعیت یا تحمل هزینه عدم تبعیت، یکی را انتخاب کند. بنابراین اثربخشی رویکرد تبعیت به موازنه بین تبعیت یا هزینه‌های عدم تبعیت بستگی دارد (Risse, 1984).

نقض اصلی در سیستم مبتنی بر تبعیت، انحراف رفتار تنظیم‌شونده از یک استاندارد یا شرطی است که به آن «نقض فنی» می‌گویند و برای جلوگیری از آسیب طراحی شده است. در مقابل نقض اصلی در سیستم مبتنی بر بازدارندگی، رفتار آسیب‌زا و فوری است که باید متخلف را مجازات کرد. به عبارتی، سیستم‌های اعمال تنظیم‌گر با رویکرد بازدارندگی به دنبال مجازات اشخاص یا سازمان‌ها برای آسیب‌های وارده هستند در حالی که سیستم‌های تبعیت به دنبال جلوگیری از آسیب‌ها و عواقب آنها می‌باشند. به همین دلیل سیستم‌های تبعیت بر روی تخلف تمرکز می‌کنند نه متخلف (Risse, 1984).
دو رویکرد اساسی در اعمال خط‌مشی تنظیمی تحت عناوین و کلیدواژه‌های متفاوتی به کار رفته است. رویکرد اول از عناوینی همچون «بازدارندگی»، «تنبیه»^۳، «متخاصمانه»^۴ و «انتظامی»^۵ یاد می‌شود. رویکرد دوم نیز از عناوینی همچون «تبعیت/رعایت»، «پذیرش»، «همکاری»^۶، «تربیتی»^۷، «چانه‌زنی»^۸ یا «مقاعدسازی»^۹ استفاده می‌شود (Coslovsky et al., 2011: 324).



1- Premonitory
4- Adversarial
7- Pedagogic

2- Post-monitory
5- Policing
8- Bargaining

3- Sanctioning
6- Cooperation
9- Persuasive

۳- رویکرد اعمال تنظیم‌گر واکنش‌گرا (پاسخ متناظر)

تنظیم‌گر واکنش‌گرا اولین بار در سال ۱۹۹۲ با براندازی دوگانه تبعیت- بازدارندگی، مدلی تلفیقی و هرمی برای اعمال خط‌مشی تنظیمی ارائه داد. نظریه پردازان این رویکرد معتقدند نفی رویکرد بازدارندگی بی‌خردی بوده و تعهد مطلق به آن نیز نامعقول است. راه موفقیت تنظیم‌گر ایجاد هم‌افزایی بین مجازات و ترغیب است (Ayres & Braithwaite, 1992: 25).

از دیدگاه آنان سازمان تنظیم‌کننده باید در کنار قدرت مجازات، همواره رویکردی مهربانانه با تنظیم‌شونده داشته باشد^۲ و از اقدامات تلافی‌جویانه^۳ نسبت به تخلفات آن تا حد امکان پرهیزد (Ayres & Braithwaite, 1992: 19). هسته مرکزی استدلال آنها این است که شرکت‌ها دارای انگیزه‌های متنوعی هستند. سپس شش نوع انگیزه مختلف برای تبعیت را شرح می‌دهند. آنان ادعا می‌کنند متناسب با هر نوع انگیزه‌ای می‌توان راهبرد تنظیمی و اعمال خاصی برگزید. راهبردهای تلافی‌جویانه، منجر به تخریب فضای اعتماد بین تنظیم‌کننده و تنظیم‌شونده و نیز از بین رفتن فضیلت مدنی می‌شود (Ayres & Braithwaite, 1992: 20).

نظریه‌پردازان تنظیم‌گر واکنش‌گرا معتقدند که تنظیم‌گر مانند نظریه بازی و طراحی معمای زندان است و به‌ویژه با شرایط پیچیده اجتماعی امروز، قواعد نظریه بازی در آن، بسیار جوابگوی نیازهای تنظیم‌کننده بوده و پیش‌برنده اعتماد اجتماعی است (Ayres & Braithwaite, 1992: 21).

تأکید اصلی این نظریه‌پردازان برای افزایش احتمال تبعیت این است که سازمان تنظیم‌کننده، یک هرم اعمال آشکار را به نمایش بگذارد. این هرم طیفی از مجازات، از متقاعدسازی در قاعده هرم تا اخطار و مجازات‌های مدنی و کیفری رأس هرم را شامل می‌شود. اعمال خط‌مشی تنظیمی همیشه باید از قاعده هرم و با متقاعدسازی آغاز شود. بنابراین مداخلات تنظیمی با اقدامات غیرکیفری آغاز می‌شوند و زمانی که تلاش‌های کنترلی پیشین برای تأمین تبعیت ناموفق باشد، با پاسخ‌های قاطع‌تر و کیفری به سمت بالای هرم حرکت می‌کنند. آنان نسبت به راهبردهای تنظیمی نیز هرم راهبردها را پیشنهاد دادند. دولت‌ها باید در مرحله اول، راه‌حل‌های خودتنظیمی را جستجو کرده و به صنایع پیشنهاد دهند؛ اما در صورتی که اهداف محقق نشود، دولت رویکرد خود را تغییر داده و از خودتنظیمی به صورت ترتیبی به سمت خودتنظیمی اجباری، مجازات تعزیری و سایر راهبردها حرکت می‌کند (Baldwin et al., 2012: 260).



1- Responsive regulation

با توجه به مفهومی که responsive regulation دارد و اینکه تناسب در هرم راهبردها و مجازات ایجاد کرده است، از ترجمه مستقیم تنظیم‌گر پاسخ‌گو اجتناب شده و معنای این رویکرد، واکنش‌گرا انتخاب شده است. این رویکرد نوعی حساسیت و سلسله مراتب نسبت به تنظیم‌شونده و راهبرد اعمال خط‌مشی تنظیمی ارائه کرده است.

۲- این موضوع از عنوان انتخابی‌شان نیز قابل درک است. عنوانی که برای تبیین نظرشان انتخاب کردند The Benign Big Gun است که مبین نوعی قدرت برتر و در عین حال مهربان برای اعمال خط‌مشی تنظیمی است. این دیدگاه متأثر از تنظیم‌شوندگان مورد مطالعه‌شان بوده که ماهیت خبریه‌ای داشته‌اند.



شکل ۲. هرم راهبردها (Ayres & Braithwaite, 1992: 39)

شکل ۱. هرم اجرا (Ayres & Braithwaite, 1992: 35)

هدف رویکرد اعمال تنظیمگر واکنش‌گرا، تحریک و انگیزه‌بخشی بیشترین سطح تبعیت از مقررات با تشویق بازیگران به پذیرش داوطلبانه قواعد است (Welsh, 2011: 313).

۴- رویکرد اعمال تنظیمگر هوشمند

این رویکرد نیز بر پایه اعمال تنظیمگر واکنش‌گرا شکل گرفته است. نظریه‌پردازان آن در کتاب «تنظیمگر هوشمند»^۱ با اشاره به چندگانگی علل مشکلات زیست‌محیطی، نتیجه گرفته‌اند پاسخ به این علل نیز باید به صورت چندگانه باشد. بنابراین آنان نیز مانند رویکرد تنظیمگر واکنش‌گرا، معتقد به استفاده از راهبردهای متنوع در شرایط مختلف هستند.

دو فصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم



از دیدگاه آنان، اعمال موفق تنظیمگر با اصول و ملاحظات زیر محقق می‌شود:

- ترجیح ترکیب ابزارها به جای استفاده از تک ابزار و البته اجتناب از چند ابزارگرایی افراطی.^۲
- خست ابزار؛ باید از ترکیب ابزارهای کمتر برای دستیابی حداکثری به اهداف استفاده کرد.
- توجه به هرم ابزارهای کسب‌وکارها و اشخاص ثالث علاوه بر ابزارهای دولتی.
- توانمندسازی اشخاص ثالث برای اعمال تنظیمگر.
- افزایش فرصت‌ها و رهاوردهای برد-برد با ترغیب کسب‌وکارها به حرکت فراتر از تبعیت^۳ (Gunning-ham, GRABOSKY, & Sinclair, 1998: 376-377).

بنابراین داشتن یک هرم پویا از ابزارها، برای رسیدن به اهداف تنظیمگر ضروری است. اصول استفاده ترکیبی از ابزارها، استفاده از کمترین ابزار ممکن و ایجاد کمترین مداخله از سوی دولت، ما را به استفاده پویا از هرم ابزارها راهنمایی می‌کند. این اصول و ملاحظات باید قبل از تدوین خط‌مشی تنظیمی موردتوجه قرار گیرد. به همین دلیل ارزیابی اثرات تنظیمی از دید آنان بسیار حائز اهمیت است؛ اگرچه

1- Smart regulation, Designing environmental policy (1998).

2- Smorgasbordism.

3- Beyond compliance

این ارزیابی ها گستره و تنوع زیادی به تناسب موضوعات و کشورها دارند، اما می توان گفت پرسش های اساسی هفت گانه زیر در ارزیابی اثرات تنظیمی باید ملاحظه شود:

- ۱- ماهیت مسئله مورد بررسی چیست؟
- ۲- هدف مداخله چیست؟ کدام اهداف خاص باید دنبال شوند؟
- ۳- گزینه های پرداختن به مسئله چیست؟ آیا علاوه بر اعمال تنظیم گر اقدام دیگری می توان کرد؟
- ۴- تأثیرات بدیل های مختلف تنظیم گر بر گروه های مختلف جامعه چیست؟
- ۵- آیا همه جوانب موضوع دیده شده است؟ (ضرورت مشورت)
- ۶- تأیید راه حل منتخب و کنار هم قرار دادن تمامی عوامل منجر به راه حل.
- ۷- توضیح دادن اینکه چگونه سیاست اعمال خواهد شد و راهبرد سنجش و ارزیابی آن چیست؟

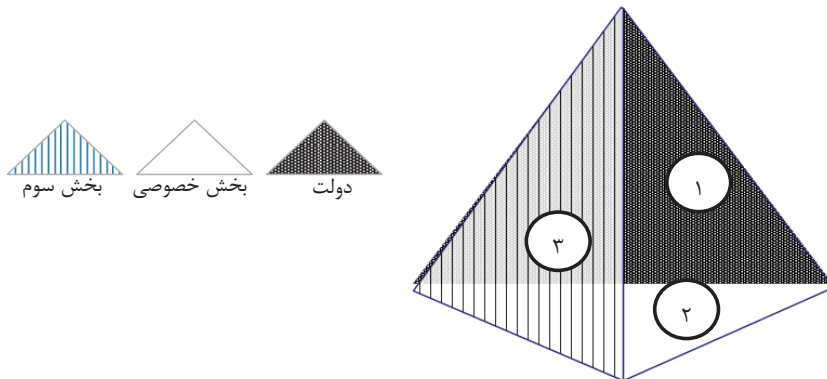
(Gunningham et al., 1998: 379)

رویکرد اعمال تنظیم گر هوشمند با تکیه بر رویکرد بازدارندگی-تبعیت و تنظیم گر واکنش گرا، به دنبال رفع کاستی های رویکردهای پیشین است. کانینگهام و همکارانش، با تمرکز بر مسائل زیست محیطی، تنظیم گر پیچیده و قاطع را ضروری می دانند. در این چارچوب، دولت تنها بازیگر اعمال تنظیم گر نیست و حتی آغازگر آن نیز نمی باشد، بلکه سایر ذی نفعان در آغاز و فرایند اعمال نقش فعال تری از دولت ایفا می کنند.

دو فصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم



آنان با نقد رویکرد تنظیم گر تک بازیگر و واکنش گرا، بر لزوم اعمال تنظیم گر در گستره وسیعی از مشارکت کنندگان و ابزارهای تنظیمی تأکید می کنند. علاوه بر این، کشف طیف گسترده ای از ابزارهای خط مشی تنظیمی و لحاظ کردن منافع کاربرد متقابل آنها به صورت نظام مند حائز اهمیت است؛ موضوعی که خود مستلزم ایجاد نوعی کثرت گرایی تنظیمی با محوریت نهادها است. شواهد بسیاری نیز گویای آن است که ابزارهای غیراجباری، هم به تبعیت بیشتر و هم به ایجاد نگرش مثبت منجر می شوند (Gunningham et al., 1998: 393).



شکل ۳ هرم اجرای تنظیم هوشمند

هرم اعمال در این رویکرد نسبت به هرم تنظیم‌گر واکنش‌گرا پویایی بیشتری دارد؛ اولاً صرفاً دولت در تعامل با تنظیم‌شونده نیست بلکه کسب‌وکارها و بخش سوم جامعه نیز می‌توانند به عنوان تنظیم‌کننده با تنظیم‌شونده تعامل کنند. ثانیاً این حرکت در راهبردها و ابزارها الزاماً و مستقیماً از سوی دولت نبوده بلکه بهتر است با بخش سوم و بخش دوم، اعمال تنظیم‌گر شکل بگیرد و در صورت لزوم به سمت دولت حرکت نماید. با استفاده از این هرم انعطاف در پاسخ و امکان پر کردن شکاف‌های مجازاتی فراهم می‌شود. بنابراین، اگر مجازات قانونی مناسب نباشد، می‌توان به شکل دیگری از تأثیرگذاری متوسل شد (Gunningham et al., 1998: 399-400). در جدول زیر سلسله ابزارهای اعمال از نرم به سخت در سه بخش نشان داده شده است. شیوه استفاده از این ابزارها در جدول از چپ به راست است که البته ضرورتی ندارد الزاماً از پایین به بالا باشد.

جدول ۱ سه ضلع تنظیم‌گر هوشمند (Baldwin et al., 2012: 266)

دولت	کسب‌وکار	بخش سوم
سلب صلاحیت	سلب صلاحیت	اخراج
مجازات نهایی	مجازات	تأدیب
تذکر	اخطار	ترغیب
اخطار	راهنمایی	بازنگری
متقاعدسازی	آموزش	انگیزه‌دهی
آموزش	توصیه	سرپرستی آموزشی
توصیه	-	توصیه

۵- رویکرد اعمال مسئله‌محور

رویکرد اعمال تنظیم‌گر واکنش‌گرا و هوشمند بر فرایندها، ابزارها و نهادهایی تأکید می‌کنند که می‌توانند برای پیشبرد اهداف تنظیمی مورد استفاده قرار گیرند؛ اما رویکرد مسئله‌محور با تأکید بر مخاطره، نگاه گسترده‌تری دارد. این نگاه که در اوایل هزاره سوم شکل گرفت، تأکید می‌کند دفاتر تنظیمی باید به دنبال حل مسئله باشند و برای این منظور باید ظرفیت خود را ارتقا دهند. برای این مهم باید بر سه شایستگی تمرکز کنند که عبارت‌اند از: تمرکز بر کارکردها، فرایندها و نیز ریسک‌ها و مسائل آن. به عبارت دیگر شایستگی تنظیمی عامل افزایش ظرفیت اعمال خط‌مشی تنظیمی و موفقیت آن می‌شود (Sparrow, 2000).

جدول ۲ متمایزکنندگان شایستگی تنظیمی (Sparrow, 2000: 130)

شایستگی تنظیمی	شکل	تمرکز
تخصص کارکردی	محدوده تخصصی؛ هنر آنان	بهره‌وری و کارایی؛ کیفیت تعریف شده
مدیریت فرایند و بهبود	سامان‌دهی حول هسته، فرایندهای حجم بالا؛ گروه‌های چندوظیفه‌ای؛ حلقه‌های کیفیت	بهبود فرایند، بازطراحی و مهندسی مجدد؛ کارایی، به موقع بودن و رضایت مشتری
مدیریت تبعیت و حل مسئله	سازمان‌دهی حول ریسک‌های خاص شناسایی شده (مسائل، الگوها، روندها)؛ گروه‌های پروژه موقت	اثر قابل اندازه‌گیری بر ریسک‌های خاص؛ حذف یا کاهش قابل توجه

براساس جدول، تخصص کارکردی به دنبال افزایش بهره‌وری و کارایی است. شایستگی مدیریت فرایند به دنبال اصلاح فرایندهای نهاد تنظیم‌کننده است و شایستگی مدیریت تبعیت و حل مسئله نیز به دنبال طراحی راهکارهایی برای پرداختن به عدم تبعیت‌ها و رفع یا کاهش آن است؛ موضوعی که سازمان‌ها به آن کمتر توجه می‌کنند. داشتن هر سه شایستگی به صورت همزمان لازمه اعمال موفق تنظیم‌گر است باوجود اینکه تنظیم‌کنندگان صرفاً به دو شایستگی نخست می‌اندیشند. در این دیدگاه عدم تبعیت به مثابه مخاطراتی برای تنظیم‌گر مطرح شده است (Sparrow, 2000: 126).

این رویکرد را می‌توان با راهبرد حل مسئله تبیین کرد. ابتدا مهم‌ترین وظایف شناسایی و انتخاب می‌شوند، سپس ابزارهای مناسب برای هر یک از این وظایف برگزیده می‌شوند. درواقع، به جای آنکه تنظیم‌گر مستقیماً به دنبال ابزارهای لازم باشد، بر شناسایی و انتخاب وظایف کلیدی در هر مسئله متمرکز می‌شود (Sparrow, 2000: 131). تجربیات نشان می‌دهد که حتی باوجود دو شایستگی اولیه در یک سازمان تنظیم‌کننده، این شایستگی‌ها لزوماً به موفقیت و تبعیت کامل منجر نمی‌شوند. ازاین‌رو، تنظیم‌کنندگان باید برای تضمین موفقیت تنظیم‌گر، مسئله تبعیت را به طور جداگانه و با جدیت مورد بررسی قرار دهند (Sparrow, 2000: 132).

بنابراین هنر تنظیم‌گر^۱ با جلب توجه به سمت وظایف مختلفی که تنظیم‌کنندگان باید به آنها پردازند، بر دستاوردهای مطلوب به جای تبعیت صرف از تنظیم‌گر تمرکز دارد. پس از شناخت مسئله به عنوان یک موضوع کلیدی، باید دو محور مهم دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد. بهبود فرایند (ناظر به سازمان تنظیم‌کننده) و حل مسئله (ناظر به ویژگی‌های تنظیم‌شونده) که دارای ویژگی‌های متمایزی هستند و در جدول زیر توضیح داده شده است (Sparrow, 2000: 136).



جدول ۳ ویژگی‌های تنظیم هوشمند در دو محور فرایند و حل مسئله

ویژگی‌ها	بهبود فرایند	حل مسئله
کار مورد پردازش	وجود فرایندهای عملیاتی با حجم بالا	خطرات خارجی، تهدیدها یا مسائل عدم تبعیت
اهداف	بهبود تشکیلات یا فرایند آژانس	حذف یا کاهش مسائل خارجی
تمرکز	داخلی؛ کارایی	خارجی؛ اثربخشی
قلمرو	گسترده؛ تغییرات بلندمدت در رویه‌های آژانس	راه حل‌های متناسب با زمینه و خاص - منظوره و گاهی اوقات موقت
مسئولیت کارکنان	بهبود گروه‌های صاحب فرایند و چندکارکردی	گروه‌های پروژه حول مسائل خاص بیرونی
تعریف موفقیت	بهره‌وری بیشتر، به موقع بودن، کارایی در فرایندهای معمول	خطر خارجی خاص یا الگوهای عدم تبعیت کاهش یا حذف شده است
ماهیت ابزار	روش مدیریتی	روش عملیاتی

۶- رویکرد اعمال تنظیم‌گر واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر

تنظیم‌گر واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر، با بهره‌گیری از واژه‌سازی نظریه پردازان تنظیم‌گر واکنش‌گرا شکل گرفت. نوآوری در این رویکرد، استفاده از رویکرد آرزو و تلفیق آن با اصول مهم در تنظیم‌گر است که باعث می‌شود این شیوه واقعاً واکنش‌گرا شود. به عبارت دیگر این نظریه‌پردازان معتقدند تنظیم‌کنندگان برای واکنش متناسب به مسائل تنظیمی اولاً باید به پنج عنصر اساسی پاسخ دهند. ثانیاً چالش‌های تنظیم‌گر در وظایف مختلف رویکرد آرزو متفاوت است و متناسب با هریک باید اقدامی شایسته داشت (Black & Baldwin, 2010). آنان در سال ۲۰۰۸ اولین اثر را با عنوان تنظیم‌گر واقعاً واکنش‌گرا ارائه کردند (Baldwin & Black, 2008) و در سال ۲۰۱۰ نسخه‌ای اصلاح شده و مفصل‌تر از آن را تحت عنوان تنظیم‌گر واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر منتشر کردند (Black & Baldwin, 2010). به عبارتی آنان در سال ۲۰۱۰ بین رویکرد مبتنی بر ریسک و واقعاً واکنش‌گرا ارتباط برقرار کردند. به همین دلیل ابتدا رویکرد خطرپذیر و سپس تنظیم‌گر واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر توضیح داده می‌شود.

رویکرد خطرپذیر دارای سه ویژگی کلیدی است. اولاً در سطح عملیاتی، بر انتخاب‌های اساسی در پیاده‌سازی اهداف و تعیین اقدامات مشخص دفاتر تنظیم‌گر تمرکز دارد. ثانیاً به طور متناقض‌نما، هم بر قطعیت و شناخت‌پذیری تأکید می‌کند و هم به عدم قطعیت‌ها و مجهولات اذعان دارد. ثالثاً با شیوه دیگری از تنظیم‌گر به نام «فرا تنظیم‌گر» در تعامل است که مکملی برای تنظیم‌گر ایجاد می‌کند. درنهایت، می‌توان گفت که تنظیم‌گر خطرپذیر به شکل‌گیری واکنش مناسب منجر می‌شود (Black, 2005). تنظیم‌گر خطرپذیر^۲ دو معنا می‌تواند داشته باشد. معنای اول اشاره به مواردی است که برای جامعه





ممکن است مخاطراتی داشته باشد (مانند ریسک سلامت، ایمنی و محیط زیست)؛ در معنای دوم به مفهوم نوظهور تنظیم گر اشاره دارد و به مخاطرات تنظیمی یا نهادی می پردازد. مخاطراتی که مانع دستیابی دفاتر تنظیمی به اهدافشان می شوند. در این مفهوم، هدف توسعه رویکردها و روش های تصمیم گیری برای اولویت بندی و به کارگیری مقررات است؛ رویکردی که در سراسر جهان فراگیر شد و نهادهای دولتی و خصوصی به آن روی آوردند (Baldwin et al., 2012: 281-283).

ارزش افزوده تنظیم گر واقعاً واکنش گرا، تأکید بر این است که تنظیم کنندگان نه تنها باید نسبت به نگرش مشارکت تنظیم شونده واکنش نشان دهند، بلکه نسبت به رویکردهای شناختی و عملیاتی، محیط نهادی و عملکرد رژیم تنظیمی نیز حساس باشند. واکنش به محیط نگرشی تنظیم شونده به گونه ای باشد که تنظیم گر متناسب با شناخت و عقلانیت تنظیم شونده جلوه کند (Black & Baldwin, 2010).

- واکنش به محیط نهادی: تنظیم گر باید متناسب با هنجارها و نرم های محیطی ایجاد شود.
- واکنش به منطقی های مختلف راهبردها و ابزارهای تنظیمی: برای اهداف تنظیمی می توان از منطق های مختلفی (مانند مجازات یا توانمندسازی) استفاده کرد. انسجام منطق بسیار مهم است.
- واکنش به عملکرد و اثرات رژیم تنظیمی: تنظیم گر باید با عملکرد خودش و دفاتر تنظیمی متناسب باشد.
- واکنش به تغییر: راهبردهای تنظیمی باید با تغییر اولویت های تنظیمی و شرایط و اهداف مختلف تنظیمی سازگار شوند.

جدول ۴ رویکرد واقعاً واکنش گرا و خطرپذیر: پرسش های اساسی (Black & Baldwin, 2010)

اصلاح	سنجش	اجرا	پاسخ گویی	کشف	واکنش به تغییر
۱. آیا زمانی که دستیابی به اهداف نیازمند ابزار-راهبرد جدید باشد، تغییرات قابل ایجاد است؟	۱. آیا اهداف واضح اند؟ ۲. آیا تبعیت های ثبت شده قابل اندازه گیری و مرتبط با رهاورد اهداف هستند؟	۱. آیا اهداف واضح اند؟ ۲. آیا راهبردهای اجرا به فعالیت های پشت پرده می پردازد؟ ۳. آیا راهبردها به صورت بهینه هدف گذاری شده اند؟	۱. آیا تنظیم کننده ابزار پرداختن به گستره متنوع پاسخ های تبعیت را در اختیار دارد؟	۱. آیا اهداف واضح اند؟ ۲. آیا تنظیم شونده اطلاعات دقیقی راجع به فعالیتش ارائه کرده است؟ ۳. آیا فرایند کشف تا اندازه ای می تواند رفتار نامطلوب و غیرمبتعین را شناسایی کند؟	واکنش به تغییر
۱. آیا در صورت نیاز، فرهنگ ها با ظرفیت و تمایل به اصلاح موافق است؟	۱. آیا سنجش توسط ایده/فرهنگ/سنت منحرف/تخریب می شود؟	۱. آیا ایده/فرهنگ/سنت بر روی استفاده از راهبردهای خاصی به صورت بالقوه اثر دارد؟	۱. آیا ایده/فرهنگ/سنت بر روی استفاده از ابزارهای خاصی به صورت بالقوه اثر دارد؟	۲. آیا سه بعد ایده/فرهنگ/سنت ها (تنظیم کننده و تنظیم شونده) برای کشف مؤثر، تأثیر دارد؟	واکنش به محیط

اصلاح	سنجش	اجرا	پاسخ‌گویی	کشف	واکنش به محیط نهادی
۱. تخصیص نقش‌های نهادی چگونه بر روی ظرفیت توازن ابزارها و راهبردها اثر می‌گذارد؟ ۲. آیا حکومت اصلاح را تسهیل/اجازه می‌دهد؟ ۳. در حین اجرای اصلاحات، آیا تعاملات نهادی مدنظر قرار دارد؟	۱. آیا سیستم اندازه‌گیری ارزش‌های سازمان‌های مختلف سازگارند؟	۱. آیا نهادهای مختلف با راهبردهای اجرا هماهنگ است؟ ۲. آیا نقش‌های نهادی مدنظر واضح هستند؟	۱. آیا منابع ابزاری کافی وجود دارد؟ ۲. آیا ابزارهای مورد استفاده با قانون/خط‌مشی سازگار است؟	۱. چگونه روابط/تقسیمات نهادی بر روی قدرت/نقش‌ها اثر می‌گذارد؟ ۲. آیا قوانین/خط‌مشی‌های دولتی تسهیلگر کشف مؤثر است؟	
۱. در حین اجرای اصلاحات، آیا تعاملات منطقی‌ها مدنظر قرار دارد؟	۱. آیا رویه‌های متنوع سنجش به صورت سازگار عمل می‌کنند؟	۲. آیا راهبردها سازگارند یا در تنش؟ ۳. آیا ترکیبات مثبتی از راهبردها ایجاد شده است؟ ۴. آیا به ضعف‌های آشکار راهبردها پرداخته می‌شود؟	۱. آیا ابزارها سازگارند یا در تنش؟	۱. آیا ابزارها/راهبردهای مختلف به صورت هماهنگ برای تسهیل کشف عمل می‌کنند؟	واکنش به منطق ابزارها و راهبردها
۱. آیا اصلاحات مبتنی بر شواهد برآمده از سنجش است؟ ۲. آیا تأکید درستی بر روی اجرا به جای بازطراحی ساختاری وجود دارد؟	۱. آیا اهداف واضح‌اند؟ ۲. آیا روش‌های سنجش با اهداف ارتباط تنگاتنگی دارند؟	۱. آیا اهداف واضح‌اند؟ ۲. آیا سیستم به راهبردهای خاص اجازه عملکرد می‌دهد؟ ۳. آیا نیاز به تعدیل راهبرد قابل سنجش است؟	۱. آیا سیستم به ابزارهای خاص اجازه عملکرد می‌دهد؟	۱. آیا اهداف واضح‌اند؟ ۲. آیا تنظیم‌کننده از دقت سیستم کشف مطمئن است؟	واکنش به عملکرد رژیم
۱. آیا اصلاحات با سرعت کافی پاسخ‌گویی تغییرات در مخاطرات/اهداف و غیره است؟	۱. آیا روش‌های سنجش برای هماهنگی با مخاطرات/اهداف و غیره قابل تعدیل است؟	۱. آیا راهبردها برای مخاطرات جدید و مخاطره‌آفرینان قابل تعدیل است؟	۱. آیا ابزارهای جدید قابل تأمین/مشروعیت بخشی است؟	۱. آیا اهداف واضح‌اند؟ ۲. آیا رژیم کشف می‌تواند با پاسخ‌دهی/عملیاتی/منبعی تنظیم‌شونده هماهنگ شود؟	واکنش به تغییر

ب) هم‌جواری و مقایسه؛ تحلیل اشتراکات و افتراقات

رویکرد آرزو از نگاهی مرحله‌بندی شده و رایج در خط‌مشی‌گذاری بهره‌می‌برد که نکته کلیدی و زیربنایی آن، تفکر سیستمی است. براساس این تفکر، رویکرد مذکور تلاش می‌کند به‌طور همه‌جانبه به موضوع بنگرد و نظامی مشخص در پرداختن به مسائل ارائه دهد. این رویکرد با ترسیم کامل چرخه اعمال خط‌مشی تنظیمی، قابلیت فراتر از بستر پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، به دلیل جامعیت بالا در زمینه‌ها و بسترهای مختلف، سایر رویکردها و نظریات اعمال تنظیم‌گر را می‌توان در این چارچوب پیاده‌سازی کرد. بنابراین، رویکرد آرزو نقش فرا-نظریه‌ای برای سایر نظریات و رویکردهای اعمال خط‌مشی تنظیمی ایفا می‌کند. این ویژگی باعث می‌شود که این رویکرد به عنوان چارچوبی یکپارچه برای ارزیابی و مقایسه سایر رویکردها به کار رود.

رویکرد بازدارندگی-تبعیت، گامی متمایز در تکامل رویکردهای اعمال تنظیم‌گر بوده است. هرچند بیان دو نوع سیستم اجرایی در منظر مجریان و تنظیم‌کنندگان بینشی نوین ایجاد کرد اما توضیح کافی درباره اینکه کدام یک برای چه شرایطی مناسب است، توسط مؤلف بیان نشده است. این دیدگاه صرفاً به دنبال احصاء دو نوع سیستم کنترل اجتماعی بوده و دستورالعمل روشنی برای انتخاب میان این دو سیستم ارائه نکرده است.

راهبرد تبعیت زمانی به کار گرفته می‌شود که فرایندهای کشف تخلفات و مجازات متخلفان پیچیده، زمان بر یا پرهزینه باشند. همچنین تمایل فرد به جبران خسارت و پیشگیری از آسیب، شرط مهمی در انتخاب این راهبرد است. درمقابل، راهبرد بازدارندگی هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که زمان و مکان وقوع رویدادها غیرقابل پیش‌بینی بوده یا علل آنها به‌طور ناقص قابل فهم باشد؛ به گونه‌ای که اقدامات پیشگیرانه ممکن نباشند. سیستم‌های تبعیت زمانی ایجاد می‌شوند که اثرات بلندمدت بسیار جدی‌تر از آسیب‌های کوتاه‌مدت باشند و آسیب‌های بلندمدت تنها با مداخلات کوتاه‌مدت قابل اجتناب باشند. با توجه به اهمیت اعتماد و پیچیدگی در جوامع امروزی، رویکرد اصلاح‌نگر به جای مجازات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است (McKay & Ellis, 2005). نشان دادن دو سیستم اعمال اجتماعی، مبنایی محکم برای رویکردهای بعدی ایجاد کرده است، به طوری که با نقد این دوگانه و اصلاح آن، رویکردهای جدید شکل گرفته‌اند. با این وجود، محدودیت عمده این رویکرد، فقدان راهنمای عملیاتی برای انتخاب میان دو سیستم در موقعیت‌های مختلف است که رویکردهای بعدی سعی در رفع آن داشته‌اند. رویکرد اعمال تنظیم‌گر واکنش‌گرا به مثابه گامی روبه‌جلو در تکامل رویکرد بازدارندگی-تبعیت مطرح شده است. این رویکرد، با ملاحظه بازدارندگی-تبعیت، به دنبال اعمال نوعی ملاحظت و تساهل در مواجهه با تنظیم‌شونده است. ریشه‌های این رویکرد احتمالاً در حوزه مطالعاتی نظریه‌پردازان آن، یعنی مقررات خانه‌های سالمندان و مراکز بهزیستی نهفته است. از آنجاکه ماهیت خیریه‌ای و داوطلبانه تنظیم‌شوندگان در این حوزه، آنان را به تبعیت و پذیرش مسئولیت اجتماعی متمایل می‌کند، ضروری است که نخستین گام در تعامل با آنان با رویکردی مهربانانه آغاز شود.



بر این اساس برقراری رابطه حسنه میان تنظیم‌کننده و تنظیم‌شونده از اهمیت بالایی برخوردار است و نظریه‌پردازان این رویکرد از پیشگامان تأکید بر لزوم اصلاح روابط میان این دو گروه بوده‌اند. با این حال، هیچ توجیه مشخصی مبنی بر اینکه پیشروی در هرم اعمال باید به صورت گام به گام و با مراحلی اجتناب‌ناپذیر صورت پذیرد، وجود ندارد. با در نظر گرفتن پیش فرض‌های نظریه‌پردازان این رویکرد و با استناد به نظریه بازی‌ها، در برخی مواقع لازم است که پاسخ تنظیمی به سمت قاعده هرم حرکت کند؛ به‌ویژه در شرایطی که تنظیم‌شونده خود به مقررات پایبند است. به عبارت دیگر، الزام به حرکت تدریجی از پایین به بالای هرم ممکن است در برخی موقعیت‌ها منجر به هدررفت منابع و زمان شود.

در نقد این رویکرد باید پذیرفت راهبرد صعودی مقابله به مثل همواره سودمند نیست؛ گاهی نیازمند تحلیل سطوح مخاطرات و مقررات‌گذاری مبتنی بر آن است. استفاده از رویکرد تنظیم‌گر واکنش‌گرا زمانی معقول‌تر است که رابطه‌ای مناسب میان تنظیم‌کننده و تنظیم‌شونده برقرار باشد که البته این رابطه همیشه وجود ندارد. صعود در لایه‌های هرم لزوماً بهترین شیوه نیست؛ زیرا تنظیم‌گر صرفاً یک بازی دو نفری نیست و به عوامل مختلفی همچون میزان منابع سازمان، اندازه جمعیت و نوع استاندارد تحمیلی بستگی دارد (Baldwin et al., 2012: 260-265).

در نهایت، همان‌طور که در هرم تنظیم‌گر هوشمند مطرح شده است، شاید بحث اصلی این باشد که پاسخ تنظیمی را نباید صرفاً به پاسخ‌های کیفری محدود کرد و به جای حرکت صرفاً صعودی، به حرکت جانبی و گذار از هرم کیفری اندیشید؛ چراکه در بسیاری از مواقع، راه حل در افزودن بر ابعاد هرم کیفری نیست، بلکه باید در جعبه ابزار عملیات بازنگری کرد و از راهبرد تنظیمی عام‌تری بهره گرفت (Gunning-ham et al., 1998). این نقد زمینه‌ساز ظهور رویکرد تنظیم‌گر هوشمند شد که با تأکید بر کثرت بازیگران و تنوع ابزارها، محدودیت‌های رویکرد واکنش‌گرا را برطرف کرد.

دیدگاه نظریه‌پردازان تنظیم‌گر هوشمند تا حد قابل توجهی پیچیدگی محیط تصمیم‌گیری برای خط‌مشی تنظیمی را در نظر گرفته است. اجتناب از تنظیم‌گر تک‌بازیگری و تک‌ابزاری از مزایای بارز آن است. از آنجاکه دغدغه اصلی این نظریه‌پردازان محیط‌زیست بوده است، نزد آنان بخش دوم و سوم جامعه نسبت به دولت در اعمال تنظیم‌گر اهمیت بسیاری یافته است. در این نگاه مداخله دولت به صورت اضطراری و در صورت ناکامی بخش‌های دوم و سوم در اعمال تنظیم‌گر موجه است. این رویکرد با پیشنهاد هرم سه‌وجهی، افق تازه‌ای برای تنظیم‌گری مشارکتی گشود. البته آنان مداخله دولت را لزوماً در مراتب بالا دیده و تحلیل می‌کنند. در مرتبه اول بخش سوم و دوم بازیگران اصلی اعمال تنظیم‌گر هستند که در واقعیت این اصل قابل نقض است.

تنظیم‌گر هوشمند، با وجود بنیانی وسیع‌تر نسبت به تنظیم‌گر واکنش‌گرا، تلویحاً شامل فرایند صعودی است و به همین دلیل با بسیاری از انتقادات عمومی وارد بر تنظیم‌گر واکنش‌گرا مواجه می‌شود. علاوه بر این، ایجاد شبکه‌های تنظیمی و فرایند هماهنگ‌سازی واکنش‌ها در سه وجه متفاوت هرم، چالش‌های خاص خود را به همراه دارد. تحقق این نوع هماهنگی همیشه آسان نیست و فرصتی برای

بروز دشواری‌های خاص مدیریت اطلاعات، ضرورت شفافیت پیام‌های ارسالی برای تنظیم‌شونده، محدودیت‌های زمانی و منابع و تفاوت‌های اساسی میان بازیگران نهادی مختلف فراهم می‌آورد (Baldwin et al., 2012: 267). درمقابل این محدودیت‌ها، رویکرد مسئله‌محور با تغییر زاویه دید از ابزار به مخاطرات، راهکاری متفاوت ارائه کرد.

رویکردهای پیشین مبتنی بر دوگانه تبعیت-بازدارندگی شکل‌گرفت اما رویکرد تنظیم‌گر مسئله‌محور با چرخش از ابزار و راهبردهای تنظیمی به سوی وظایف و مخاطرات تنظیمی، به دنبال دستیابی به اهداف تنظیم‌گران است. مسئله‌محوری از ویژگی‌های بارز خط‌مشی است (سوداگر، امیری و امامی؛ ۱۳۹۸) و این رویکرد بر آن بناشده است. شناخت مسئله، مراحل حل مسئله و مخاطرات آن عناصر کلیدی این دیدگاه است. لذا به نوعی می‌توان این رویکرد را نسبت به جریان رویکردهای اعمال تنظیم‌گر نوآورانه دانست و همزمان در زمینه اعمال، تحلیل کرد. این رویکرد با تأکید بر سه شایستگی تنظیمی، نقشه راهی عملیاتی‌تر برای تنظیم‌کنندگان فراهم کرد.

رویکرد واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر از تجمیع عوامل اساسی و فرایند سیستمی اعمال تنظیم‌گر، توانسته است به صورت جامع و ذوابعاد به این مهم بپردازد. نوآوری این رویکرد، افزودن عناصری به رویکرد آرزو و دلالت‌های این عناصر با رویکرد واکنش‌گرا و خطرپذیر است. این رویکرد در پاسخ به اشکالات و خلأهای رویکردهای پیشین پیشنهاد شده است. بنابراین گامی پیشرفته‌تر نسبت به رویکردهای گذشته محسوب می‌شود. توجه چندبعدی به محیط نگرشی، نهادی، راهبردی، رژیم عملکردی و منطق تغییر در تنظیم‌گر، تنظیم‌کننده و تنظیم‌شونده، نقاط قوتی است که این رویکرد را در پیشرفته‌ترین حالت نسبت به رویکردهای پیشین قرار داده است. البته پیچیدگی و تنوع پرسش‌ها در بازبینه^۱ پیشنهادی، رسیدن به مهارت در اعمال تنظیم‌گر را از سهولت خارج کرده است. با این حال، این پیچیدگی، قیمت دستیابی به اعمال تنظیم‌گر واقع‌بینانه و متناسب با شرایط است که می‌تواند اثربخشی تنظیم‌گر را به طور چشمگیری افزایش دهد.

جدول ۵ هم‌جواری و مقایسه رویکردهای اعمال

رویکرد معیار	آرزو	بازدارندگی- تبعیت	واکنش‌گرا	هوشمند	مسئله‌محور	واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر
ماهیت اعمال	مدیریتی- فرایندی	دوگانه فلسفی	تلافی جویانه	کارآمدی چندابزاری	حل مسئله	واکنش‌گرایی جامع
ماهیت رابطه تنظیم‌شونده و تنظیم‌کننده	مشخص نشده	تبعیت: همکاری بازدارندگی: تقابل	همکاری تدریجی (شروع با متقاعدسازی)	مشارکت گسترده (بخش ۳، ۲، ۱)	تمرکز بر مسئله به و کارشناسی نه بازیگر	واکنش‌گرا و چندلایه متناسب با نهاد، نگرش و...



رویکرد معیار	آرزو	بازدارندگی - تبعیت	واکنش‌گرا	هوشمند	مسئله‌محور	واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر
انتخاب ابزار	مشخص نشده	دوگانه قضایی و غیرقضایی	سخت‌گیری تدریجی (هرمی)	ترکیبی و چندابزاری (۳) (وجهی)	مبتنی بر شایستگی ابزار (قدرت حل مسئله)	انعطاف‌پذیر (مبتنی بر نوع واکنش)
پیچیدگی نهاد	عدم توجه	توجه مقدماتی	توجه به نهاد تنظیم‌شونده	بسط نهادی	مخاطره دیدن نهاد	توجه نظام‌مند

بحث و نتیجه‌گیری

اعمال خط‌مشی تنظیمی با توجه به اینکه در کنترل و هدایت رفتار تنظیم‌شونده معنا می‌یابد، از لحاظ شاخص‌های اثربخشی و کارآمدی به صورت مشخص به دنبال رصد و تغییر رفتار است. به همین دلیل تعیین معیارهای تحویل خط‌مشی^۱ مرتبط با همین تغییر رفتار تنظیم‌شونده است (Lunn, 2014; OECD, 2012). برای ارزشیابی و تحلیل رویکردهای اعمال خط‌مشی تنظیمی در این بخش از منظر تحلیل خط‌مشی^۲ استفاده شده است زیرا تحلیل خط‌مشی، فرایند پویا^۳ چندرشته‌ای باهدف تولید، ارزیابی نقادانه و انتقال «دانش مرتبط با خط‌مشی» است. تحلیل خط‌مشی رشته‌ای مسئله‌پرداز بوده و برای حل مسائل عملی از روش‌ها، نظریه‌ها و یافته‌های بنیادین علوم اجتماعی کمک می‌گیرد (Dunn, 2018: 3).

دوفصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم



۶۷

ادبیات تحلیل خط‌مشی برای بررسی خط‌مشی‌ها سه عنصر تحلیلی اساسی را ارائه کرده است که ذیل این سه عنصر کلیه مدل‌ها و روش‌های تحلیلی قابل احصاء است. این سه عنصر عبارت‌اند از تحلیل مسئله، تحلیل بازیگر و تحلیل سیستم خط‌مشی (Dunn, 2018; Enserink & Hermans, 2010; Knoepfel, 2007; Thissen & Walker, 2013). این سه عنصر در عرصه حکمرانی نیز به‌عنوان سه موضوعی که حکمران نسبت به آن عدم قطعیت دارد، شناخته می‌شوند (Klijn & Koppenjan, 2012; Koppenjan, 2004). لذا با در نظر گرفتن این سه عنصر تحلیلی، رویکردهای اعمال خط‌مشی تنظیمی مورد بررسی قرار گرفته است. قبل از بررسی سه عنصر تحلیل خط‌مشی که منشأ عدم قطعیت است، تعریفشان در زیر بیان شده است: (Koppenjan, 2004: 6-7)

- عدم قطعیت ماهوی (تحلیل مسئله): شناخت مسئله، ساختاردهی به مسئله.
 - عدم قطعیت راهبردی (تحلیل بازیگر): شناخت بازیگران و ذهنیت‌ها، ارزش‌ها و غایات آنان.
 - عدم قطعیت نهادی (تحلیل سیستم): توجه به قواعد، هنجارهای موجود میان بازیگران حول مسئله.
- این سه عنصر تحلیلی، چارچوبی جامع برای مقایسه رویکردهای مختلف اعمال تنظیم‌گر فراهم می‌کنند. هر رویکرد براساس برداشت خاص خود از ماهیت مسئله، نقش و تعامل بازیگران و ساختار

نهادی، راهبردها و ابزارهای متفاوتی را پیشنهاد می‌کند. درک این تفاوت‌ها به تنظیم‌کنندگان کمک می‌کند تا رویکرد مناسب را متناسب با شرایط خاص خود انتخاب کنند.

تحلیل مسئله

برای حصول تبعیت حداکثری از سوی تنظیم‌شونده، تنظیم‌کننده باید در گام نخست، مسئله را به دقت شناسایی و ادراکات، علایق و نیازهای تنظیم‌شونده را تحلیل کند. این تحلیل شامل بررسی الزامات و موانع تبعیت و نیز راهبردها و ابزارهای مؤثر بر افزایش آن است. رویکرد آرزو به شناخت مسئله اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، درحالی‌که رویکردهای تنظیم‌گر واکنش‌گرا و تنظیم‌گر هوشمند کمتر به آن توجه دارند. به نظر می‌رسد این غفلت، ریشه در توجه زیاد این رویکردها به بازیگران و روابط میان آنان است. از رویکرد تنظیم‌گر مسئله‌محور به بعد، پرداختن به مسئله به عنوان یک مخاطره قابل مدیریت مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفته است. لذا این نقیصه در رویکرد تنظیم‌گر واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر تا حد زیادی جبران شده است.

به طور کلی، مسئله‌محوری در رویکردهای اعمال تنظیم‌گر سیر تکاملی داشته است. رویکردهای اولیه توجه چندانی به این موضوع نداشتند، اما رویکردهای اخیر آن را به عنوان یک مخاطره کلیدی در اعمال خط‌مشی تنظیمی در نظر می‌گیرند. با این حال، نقدی که می‌توان بر رویکردهای اخیر وارد کرد، نگاه سطحی و ابتدایی آنها به مسئله است. مسئله باید در شبکه‌ای پیچیده از موضوعات و مسائل مورد بررسی و اولویت‌بندی قرار گیرد تا اعمال تنظیم‌گر بتواند به دستورکارهای جدید منجر شود. رویکرد اعمال تنظیم‌گر واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر با وجود التفات به اهمیت مسئله، پیچیدگی‌های آن را نادیده می‌گیرد، و فقط اعمال تنظیم‌گر مسئله‌محور تا حدی به این پیچیدگی‌ها توجه داشته است.



جدول ۶ مقایسه رویکردها در تحلیل مسئله

رویکرد تنظیم‌گری	عدم توجه	توجه	ارائه راهکار پیشنهادی
آرزو		✓	x
بازدارندگی-تبعیت	x		
واکنش‌گرا	x		
هوشمند	x		
مسئله‌محور		✓	✓
واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر		✓	✓

تحلیل بازیگر

بازیگر خط مشی به هر موجودیت اجتماعی، شخص یا سازمانی اطلاق می شود که قادر به تأثیرگذاری یا اقدام در راستای تصمیمات خط مشی است. خط مشی ها در محیطی چندبازیگری عمل می کنند؛ به این معنی که هیچ بازیگری نمی تواند راه حل خود را به تنهایی تحمیل کند و همکاری میان طرفین ضروری است. در چنین شرایطی، شناخت دیگر بازیگران و درک اهداف و انگیزه های آنها برای مشارکت یا عدم مشارکت، در حل موفقیت آمیز مسائل حیاتی است (Enserink & Hermans, 2010: 79).

تعامل بازیگران، ازجمله تشکیل ائتلاف بین تنظیم کنندگان و تنظیم شوندگان یا حتی روابط خصمانه، عامل کلیدی در موفقیت یا شکست اعمال تنظیمگر و میزان تبعیت از آن محسوب می شود. به همین دلیل، تحلیل بازیگر یک عنصر اساسی در رویکردهای اعمال تنظیمگر تلقی می گردد. رویکرد آرزو به دلیل تمرکز بر فرایند اعمال، توجه چندانی به تحلیل بازیگر ندارد. رویکرد بازدارنده-تبعیت اعمال خط مشی تنظیمی را تک بازیگر می بیند و تنظیم شونده را مجبور یا مختار تصور می کند که منجر به راهبردهای اجبار یا تشویق می شود. درمقابل، رویکردهای اعمال تنظیمگر واکنش گرا، هوشمند و واقعاً واکنش گرا و خطرپذیر تحلیل بازیگران را مهم تلقی کرده و به نوعی به آن پرداخته اند:

تنظیمگر واکنش گرا با انتقاد از دیدگاه محدود رویکرد بازدارنده-تبعیت، تمرکز اعمال را بر روی رابطه میان بازیگران کلیدی تنظیمگر یعنی تنظیم شونده و تنظیم کننده می گذارد. نقطه قوت این دیدگاه، توجه به تنظیم شونده بوده و نقطه ضعفش نگاه تک بازیگر مرادوات تنظیمی است. رویکرد تنظیمگر هوشمند این نگاه را گسترش داده و سه بازیگر بخش عمومی، خصوصی و مردمی را به هرم راهبردهای خود اضافه کرده است. متناسب با این بازیگران، توسعه ابزارهای اعمالی در این دیدگاه صورت گرفته است.

رویکرد تنظیمگر مسئله محور به نوعی غفلت آگاهانه، اساساً اتکا به راهبرد و بازیگر را اشتباه دانسته و محور اصلی توجه را بر مسئله محوری بنانهاده است. در این دیدگاه، مسئله به مثابه حکمران جهت مشارکت دادن بازیگران برای اعمال تنظیمگر است. به گونه ای که مسئله، اختیاردار بازیگران در مشارکت یا عدم مشارکت محسوب می شود. البته این نگاه نسبت به جهان واقعی سیاست و خط مشی اغراق آمیز به نظر می رسد؛ چراکه بسیاری از بازیگران در مسائل مختلف همواره حضور دارند. حتی ممکن است گاهی حضور آنان از لحاظ تخصصی یا اداری، منطقی به نظر نرسد.

رویکرد تنظیمگر واقعاً واکنش گرا و خطرپذیر گامی فراتر از تحلیل بازیگران بخش های اول، دوم و سوم برداشته و ذیل پاسخ گویی به محیط نگرشی و منطق ابزارها و راهبردها، بازیگران مختلف (اعم از تنظیم کنندگان و تنظیم شونده) را مورد توجه و بررسی قرار داده است. این رویکرد بازیگران را به عنوان محوری جهت واکنش تنظیمی شناسایی کرده و علاوه بر توجه به بازیگران، راهکارهایی برای پرداختن به آنان ارائه داده است.

جدول ۷ مقایسه رویکردها در تحلیل بازیگر

رویکرد	عدم توجه	تک بازیگر	چند بازیگر
آرزو	x		
بازدارندگی- تبعیت		✓	
واکنش‌گرا		✓	
هوشمند			✓
مسئله محور	عدم توجه آگاهانه		
واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر			✓

تحلیل نهادی

پیچیدگی مسائل در خط‌مشی‌گذاری تنها به دلیل وجود بازیگران متعدد نیست، بلکه از محیط‌های نهادی متنوع فعالیت بازیگران نیز تأثیر می‌پذیرد (Koppenjan, 2004: 7-9). برای شناخت بازیگران، باید بستر تعامل آنها شناسایی شود. این امر به نوبه خود، تحلیل نهادی را ضروری می‌سازد. نهاد به هر سیستم جمعی پذیرفته شده از قواعد (اعم از رویه‌ها یا اقدامات) اطلاق می‌شود که امکان ایجاد واقعیت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد (Scott, 2013; SEARLE, 2005). به همین دلیل شناسایی شبکه بازیگران امری مهم در حکمرانی و خط‌مشی شده است (Klijn & Koppenjan, 2016; Rhodes, 2008).

رویکرد آرزو توجه خاصی به نهادهای زمینه‌ای برای تنظیم‌گر ندارد. اما رویکرد بازدارنده-تبعیت اولین گام را در جهت توجه به نهادها برداشت، زیرا عدم توجه به کارآمدی سیستم بازدارنده در نهادهای اجتماعی، نقصی در رویکرد تبعیت تلقی می‌شود. پس از آن، رویکرد واکنش‌گرا با پیش‌فرض‌های نظریه بازی، نهاد تنظیم‌شونده را بسیار مهم دانسته و توصیه‌هایی بر این اساس ارائه شده است. رویکرد تنظیم‌گر هوشمند نیز التفات مناسبی به نهاد تنظیم‌کننده داشته و می‌توان آن را بسط نهادی تنظیم‌گر واکنش‌گرا دانست. رویکرد مسئله‌محور، نهاد را به عنوان یک مخاطره اساسی در نظر گرفته، اما راهکار قابل توجهی برای تحلیل و مدیریت نهاد در اعمال تنظیم‌گر ارائه نکرده است.

رویکرد واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر به خوبی به موضوع تحلیل نهادی پرداخته است. یکی از پنج اصل آن، توجه به اصول نهادی است. به عبارت دیگر، پاسخ متناسب نهادی پیشرفتی است که این رویکرد نسبت به رویکردهای پیشین ارائه کرده است. علاوه بر این، رویکرد مذکور تغییرات نهادی را نیز در اصل پایانی خود (واکنش به تغییر) مدنظر قرار داده است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که فرایندهای اجرای خط‌مشی تنظیمی به طور فزاینده‌ای به شبکه‌های خط‌مشی و نهادهای اجتماعی توجه می‌کنند.



جدول ۸ مقایسه رویکردها در تحلیل نهادی

رویکرد	عدم توجه	توجه کلی	توصیه
آرزو	x		
بازدارندگی-تبعیت		✓	
واکنش‌گرا		✓	
هوشمند			✓
مسئله‌محور		✓	
واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر			✓

این پژوهش با هدف مقایسه رویکردهای اعمال خط‌مشی تنظیمی و تحلیل آنها براساس سه عنصر مسئله، بازیگران و نهادهای اجتماعی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که رویکردهای اعمال تنظیم‌گر از مدل‌های کلاسیک و بازدارنده فاصله گرفته‌اند. جهت‌گیری غالب اکنون به سمت رویکردهای چندبعدی، مشارکتی و مسئله‌محور است. از این یافته‌ها نتیجه می‌شود که اعمال مؤثر تنظیم‌گر نیازمند رویکردی چندلایه و واکنش‌گراست؛ رویکردی که علاوه بر تحلیل دقیق مسئله، بر تحلیل ظرفیت نهادی و ویژگی‌های بازیگران تکیه دارد. نتیجه کلیدی پژوهش آن است که هیچ رویکرد واحدی برای همه موقعیت‌های تنظیمی مناسب نیست. ترکیب و تطبیق رویکردها متناسب با شرایط مسئله، بافت نهادی و نوع رابطه با تنظیم‌شونده ضروری است.

رویکردهای جدید، به جای تأکید بر بازدارندگی، بر انگیزه‌های درونی، یادگیری و تعامل تأکید می‌کنند؛ لذا رویکردهای صرفاً بازدارنده کارایی محدودی دارند. به علاوه اینکه مطالعات نشان می‌دهد که قطعیت و استمرار اجرا از شدت مجازات مهم‌تر است. نمونه بازرسی معادن آمریکا نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

در رویکردهای مسئله‌محور و واقعاً واکنش‌گرا، نخستین گام شناخت دقیق مسئله است و سپس ابزارهایی متناسب با مخاطرات آن انتخاب می‌شود. رویکردهای جدید نشان می‌دهند که اعمال تنظیم‌گر فقط تعامل دولت و بخش خصوصی نیست؛ محیط نهادی، قواعد اجتماعی و نقش فعال بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز اهمیت دارند. رویکرد واقعاً واکنش‌گرا و خطرپذیر تأکید می‌کند که تنها با واکنش همزمان به پنج حوزه (تبعیت، نگرش، نهاد، منطق ابزارها و عملکرد) اعمال تنظیم‌گر اثربخش می‌شود. به طور خلاصه اعمال تنظیم‌گر زمانی اثربخش است که به جای تکیه بر مجازات، بر فهم مسئله، ظرفیت نهادی و واکنش‌گرایی چندبعدی استوار شود.

منابع فارسی

۱. خنیفر، حسین، و مسلمی، ناهید (۱۳۹۵). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی (چاپ اول). تهران: نگاه دانش.
۲. سوداگر، هاشم، امیری، علی‌نقی، و امامی، سیدمجتبی (۱۳۹۸). واکاوی و تحلیل مفهوم خط‌مشی عمومی: ماهیت، صفات و غایت. فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۱(۲)، ۴۵-۶۸.
۳. منابع انگلیسی

4. Acciai, C., & Capano, G. (2021). Policy instruments at work: A meta-analysis of their applications. *Public Administration, 99*(1), 118-136. <https://doi.org/10.1111/padm.12673>
5. Adick, C. (2018). Bereday and Hilker: Origins of the 'four steps of comparison' model. *Comparative Education, 54*(1), 35-48. <https://doi.org/10.1080/03050068.2017.1396088>
6. Anderson, J. E. (2011). Public policymaking: An introduction (7th ed.). Boston, MA: Cengage.
7. Arnaldi, S. (2017). Changing me softly: Making sense of soft regulation and compliance in the Italian nanotechnology sector. *Nano Ethics, 11*(1), 3-16. <https://doi.org/10.1007/s11569-017-0286-5>
8. Ayres, I., & Braithwaite, J. (1992). Responsive regulation: Transcending the deregulation debate. Oxford, England: Oxford University Press.
9. Baldwin, R., & Black, J. (2005). A review of enforcement measures. Unpublished manuscript.
10. Baldwin, R., & Black, J. (2008). Really responsive regulation. *The Modern Law Review, 71*(1), 59-94. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2230.2008.00681.x>
11. Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (2010). The Oxford handbook of regulation. Oxford, England: Oxford University Press.
12. Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (2012). Understanding regulation: Theory, strategy, and practice (2nd ed.). Oxford, England: Oxford University Press.
13. Batory, A. (2016). Defying the Commission: Creative compliance and respect for the rule of law in the EU. *Public Administration, 94*(3), 685-699. <https://doi.org/10.1111/PADM.12254>
14. Bemelmans-Videc, M. L., Rist, R. C., & Vedung, E. (2003). Carrots, sticks & sermons: Policy instruments and their evaluation. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers. (Original work published 1998)
15. Bereday, G. Z. F. (1964). Comparative method in education. New York, NY: Holt, Rinehart and Winston.
16. Biru, A., Arenius, P., Bruton, G., & Gilbert, D. (2025). Firm formalization strategy: The interaction of entrepreneurs and government officials in the enforcement of regulation. *Journal of Management*, 51(4), 1586-1618.
17. Black, J. (2002). Critical reflections on regulation. *Australian Journal of Legal Philosophy*, 1, 1-35.
18. Black, J. (2005). The emergence of risk-based regulation and the new public risk management in the United Kingdom. Unpublished manuscript.
19. Black, J., & Baldwin, R. (2010). Really responsive risk-based regulation. *Law & Policy, 32*(2), 181-213. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9930.2010.00318.x>
20. Black, J., & Baldwin, R. (2012). When risk-based regulation aims low: Approaches and challenges. *Regulation & Governance, 6*(1), 2-22. <https://doi.org/10.1111/j.1748-5991.2011.01124.x>
21. Bonnieux, F., & Dupraz, P. (1999). Policy indicators and a typology of instruments. In G. van Huylenbroeck & M. C. Whitby (Eds.), *Countryside stewardship: Farmers, policies, and markets* (pp. 47-66). New York, NY: Pergamon. <https://doi.org/10.1016/b978-008043587-9/50005-5>
22. Boyer, R., & Saillard, Y. (2001). Regulation theory: The state of the art. London, England: Routledge.
23. Braithwaite, J., Walker, J., & Grabosky, P. (1987). An enforcement taxonomy of regulatory agencies.



- *Law and Policy, 9*(3), 323–351. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9930.1987.tb00414.x>
24. Chu, M. (2018). Regulatory policy. In A. Farazmand (Ed.), *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance* (pp. 5396–5404). New York, NY: Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-20928-9_2562
 25. Clarke, M. (2000). *Regulation: The social control of business between law and politics*. Basingstoke, England: Macmillan.
 26. Cook, P., & Mosedale, S. (2007). *Regulation, markets, and poverty*. Cheltenham, England: Edward Elgar.
 27. Coslovsky, S., Pires, R., & Silbey, S. S. (2011). The pragmatic politics of regulatory enforcement. In D. Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the politics of regulation* (pp. 323–334). Cheltenham, England: Edward Elgar.
 28. Dunlop, C. A., & Radaelli, C. M. (Eds.). (2017). *Handbook of regulatory impact assessment*. Cheltenham, England: Edward Elgar.
 29. Dunn, W. N. (2018). *Public policy analysis: An integrated approach* (6th ed.). New York, NY: Routledge.
 30. Enserink, B., & Hermans, L. (n.d.). (2010). *Policy analysis of multi-actor systems*. Unpublished manuscript.
 31. Geva-May, I. (2005). *Thinking like a policy analyst: Policy analysis as a clinical profession*. New York, NY: Palgrave Macmillan.
 32. Gmeiner, M., & Gmeiner, R. (2022). Regulation enforcement. *Journal of Labor Research*, 43(2), 163–202.
 33. Gunningham, N., Grabosky, P., & Sinclair, D. (1998). *Smart regulation: Designing environmental policy*. Oxford, England: Clarendon Press.
 34. Haines, F., & Gurney, D. (2004). Section 1: Regulatory conflict and regulatory compliance: the problems and possibilities in generic models of regulation. *Regulation: Enforcement and compliance*, 10.
 35. Hawkins, K., & Thomas, J. M. (Eds.). (1984). *Enforcing regulation*. Boston, MA: Kluwer-Nijhoff.
 36. Hoppe, R. A. (2010). *The governance of problems: Puzzling, powering, participation*. Bristol, England: Policy Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctt9qgx59>
 37. Howlett, M. (1991). Policy instruments, policy styles, and policy implementation: National approaches to theories of instrument choice. Retrieved from <https://www.researchgate.net/profile/michael-howlett-2/publication/307638315>
 38. Hutter, B. (1997). *Compliance: Regulation and environment*. Oxford, England: Clarendon Press.
 39. Jessop, B., & Sum, N.-L. (2006). *Beyond the regulation approach: Putting capitalist economies in their place*. Cheltenham, England: Edward Elgar.
 40. Kaplow, L. (1995). How tax complexity and enforcement affect the equity and efficiency of the income tax (NBER Working Paper No. 5391). Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research. <https://doi.org/10.3386/w5391>
 41. Kjaer, P. F., & Vetterlein, A. (2018). Regulatory governance: Rules, resistance and responsibility. **Contemporary Politics*, 24*(5), 497–506. <https://doi.org/10.1080/13569775.2018.1452527>
 42. Klijn, E.-H., & Koppenjan, J. (2012). Governance network theory: Past, present and future. **Policy & Politics*, 40*(4), 587–606. <https://doi.org/10.1332/030557312X655431>
 43. Klijn, E.-H., & Koppenjan, J. F. M. (2016). *Governance networks in the public sector*. London, England: Routledge.
 44. Knoepfel, P. (2007). *Public policy analysis*. Bristol, England: Policy Press.
 45. Koppenjan, J. (2004). Managing uncertainties in networks. In *Managing complex networks: Strategies for the public sector* (p. 289). London, England: Sage.

46. Laffont, J. J. (2003). Enforcement, regulation and development. *Journal of African Economies*, 12(suppl_2), ii193-ii211.
47. Leary, R., & Thomas, J. (2011). How complexity theory is changing the role of analysis in law enforcement and national security. In B. Akhgar & S. Yates (Eds.), *Intelligence management: Knowledge driven frameworks for combating terrorism and organized crime* (pp. 61–78). London, England: Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-4471-2140-4_5
48. Levi-Faur, D. (Ed.). (2011). *Handbook on the politics of regulation*. Cheltenham, England: Edward Elgar.
49. Lodge, M., & Wegrich, K. (2012). *Managing regulation: Regulatory analysis, politics and policy*. Basingstoke, England: Palgrave Macmillan.
50. Lowi, T. J., & Nicholson, N. K. (2009). *Arenas of power: Reflections on politics and policy*. Boulder, CO: Paradigm Publishers.
51. Lunn, P. (2014). *Regulatory policy and behavioral economics*. Paris, France: OECD. <https://doi.org/10.1787/9789264207851-EN>
52. Manzon, M. (2014). Comparing places. In M. Bray, B. Adamson, & M. Mason (Eds.), *Comparative education research: Approaches and methods* (2nd ed., pp. 97–137). Cham, Switzerland: Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-05594-7_4
53. Marie-Louise Bemelmans-Videc, Rist, R. C., & Vedung, E. (2017). Policy instruments: Typologies and theories. In *Carrots, sticks and sermons* (pp. 21–58). New York, NY: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315081748-2>
54. Mascagni, G., Dom, R., Santoro, F., & Mukama, D. (2023). The VAT in practice: Equity, enforcement, and complexity. **International Tax and Public Finance*, 30*(2), 525–563. <https://doi.org/10.1007/s10797-022-09743-z>
55. McKay, S., & Ellis, G. (2005). Reparation or retribution: An investigation into regulatory compliance in planning. **Environment and Planning A*, 37*(7), 1249–1262. <https://doi.org/10.1068/a36288>
56. Morgan, B., & Yeung, K. (2007). *An introduction to law and regulation: Text and materials*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
57. Noll, R. (1980). What is regulation? Social Science Working Paper No. 324. Pasadena, CA: California Institute of Technology.
58. Organization for Economic Co-operation and Development. (2004). *The 'Table of Eleven': A versatile tool*. Paris, France: Author.
59. Organization for Economic Co-operation and Development. (2012). *Measuring regulatory performance*. Paris, France: Author.
60. Parker, C. (2021). From responsive regulation to ecological compliance: Meta-regulation and the existential challenge of corporate compliance. In D. D. Sokol & B. van Rooij (Eds.), *The Cambridge handbook of compliance* (pp. 37–49). Cambridge, England: Cambridge University Press.
61. Parker, C., & Lehmann Nielsen, V. (2017). Compliance: 14 questions. In P. Drahos (Ed.), *Regulatory theory: Foundations and applications* (pp. 217–232). Acton, Australia: ANU Press. <https://doi.org/10.22459/RT.02.2017.13>
62. Pickvance, C. G. (2001). Four varieties of comparative analysis. **Journal of Housing and the Built Environment*, 16*(1), 7–28. <https://doi.org/10.1023/A:1011533211521>
63. Rhodes, R. A. W. (2008). Policy network analysis. In R. E. Goodin, M. Moran, & M. Rein (Eds.), *The Oxford handbook of public policy* (pp. 425–447). Oxford, England: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199548453.003.0020>
64. Risse, A. (1984). Selecting strategies of social control over organizational life. In K. Hawkins & J. M.



- Thomas (Eds.), *Enforcing regulation* (pp. 23–36). Boston, MA: Kluwer-Nijhoff.
65. Scholz, J. T. (1984). Voluntary compliance and regulatory enforcement. **Law & Policy*, 6*(4), 385–404. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9930.1984.tb00334.x>
66. Scott, W. R. (2013). *Institutions and organizations: Ideas, interests, and identities* (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
67. Searle, J. R. (2005). What is an institution? **Journal of Institutional Economics*, 1*(1), 1–22. <https://doi.org/10.1017/S1744137405000020>
68. Short, J. L. (2021). The politics of regulatory enforcement and compliance: Theorizing and operationalizing political influences. **Regulation and Governance*, 15*(3), 653–685. <https://doi.org/10.1111/rego.12291>
69. Sparrow, M. K. (2000). *The regulatory craft: Controlling risks, solving problems, and managing compliance*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
70. Stone & Webster's Siegel. (1979). Compliance with regulations: In the future, the main emphasis of environmental monitoring and control technology, as well as court cases, will be on. **Environmental Science and Technology*, 13*(2), 144–146.
71. Tapia, K. M., Quispe, P. P., & Vega, E. A. (2022). Regulatory compliance and governance of environmental enforcement: Analysis of the oil spill in Ventanilla Bay, Peru. *Revista De Derecho Ambiental*, 18, 345–366. <https://doi.org/10.5354/0719-4633.2022.67948>
72. Thissen, W. A. H., & Walker, W. E. (Eds.). (2013). *Public policy analysis: New developments*. New York, NY: Springer.
73. Weiß, W., & Furculita, C. (2020). The EU in search for stronger enforcement rules: assessing the proposed amendments to trade enforcement regulation 654/2014. *Journal of international economic law*, 23(4), 865–884.
74. Welsh, M. (2011). The politics of civil and criminal enforcement regimes. In D. Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the politics of regulation* (pp. 311–321). Cheltenham, England: Edward Elgar.
75. Wildavsky, A. B., & Peters, B. G. (2018). *The art and craft of policy analysis*. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
76. Williams, M. J., Leaver, C., & Mansoor, Z. (2021). Delivery approaches to improving policy implementation: A conceptual framework. Retrieved from <https://www.bsg.ox.ac.uk/sites/default/files/2021-04/delivery%20approaches%20to%20improving%20policy%20implementation.pdf>
77. Yan, H., van Rooij, B., & van der Heijden, J. (2016). The enforcement–compliance paradox: Implementation of pesticide regulation in China. **China Information*, 30*(2), 209–231. <https://doi.org/10.1177/0920203X16636510>